

معادن الانوار و منتهاة الاسرار

شیخ محمد صالح
برغانی قزوینی حائری

عبدالحسین شهیدی صالحی

تفسیر معدن الانوار و مشکاة الاسرار: اثر شیخ محمد صالح برغانی قزوینی حائری (م ۱۲۷۱ق) فرزند شیخ ملا محمد ملایکه، شیخ مفسران شیعه و از ائمه فتوا و تقلید در قرن سیزدهم هجری که شرح حال وی در شماره هشتم مجله بیّنات آمده است.^۱

تفسیر معدن الانوار در یک جلد بزرگ، به زبان عربی است، مؤلف ارجمند شیوه و ویژه‌ای در تفسیرنویسی برگزیده است و اساس تفسیر را در کلیات تفسیر قرآن کریم اختصاص داده است و به بیان کلمات مشکل و متشابه و غریب می‌پردازد و معضلات آیات را بیان می‌کند و همچنین قراءات و قرآء و جز آن را یاد آور شده است. وی با روش‌های گوناگون تمام زوایای قرآن مجید را مطالعه و بررسی کرده است. در این تفسیر ارزشمند، مطالب دقیق و ابتکارات ممتاز و نوآوری‌هایی به چشم می‌خورد که پیش از وی کسی یاد آور نشده است و در نوع خود کم نظیر است.

مؤلف محترم این تفسیر، تلاش کرده است که همه بحثها و ابتکارات خود را با توجه کامل، به روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام ارتباط دهد.

مفسر بزرگوار در باره چگونگی تألیف این تفسیر در مقدمه، سخنی بدین مضمون آورده است:

وقتی از تفسیر خود «مفتاح الجنان فی حل رموز القرآن» در شهر مقدس کربلا فارغ شدم، به خاطر رسیدن که برای آن مقدمه‌ای بنگارم که دارای فواید مفیدی برای بیداری خفتگان و باعث هوشیاری غافلان باشد و لکن چون حجم آن بسیار شد، آن را تفسیر مستقلی قرار دادم. و آن را

«معدن الانوار و مشکاة الاسرار» نامیدم. ^۲ سپس اضافه می‌کند: چون کتاب خدا دارای ظاهر و باطن و تفسیر و تأویل است... و باطن قرآن کریم دعوت به امامت و ولایت دارد و ظاهر آن دعوت به توحید و نبوت و رسالت، اما علماء و مفسران در بسیاری از موارد از کنار آیات رد شده و سخنی به تفصیل نگفته‌اند، من سعی خواهم کرد که به اختصار پیچیدگی های اسرار الهی را بیان کنم.

در این تفسیر ضمن بهره‌گیری فراوان از روایات اهل بیت (ع)، ذیل آنها سخنانی را که بیانگر آراء و نظرات مؤلف است، آمده است و در بعض موارد، مطالب غریبی آورده است. مرحوم برغانی تفسیر خود را در دوازده کنز (گنج) به نام دوازده امام علیهم‌السلام سامان داده است و مقدمه و خاتمه‌ای نیز بر آن افزوده است.

کنز اول: در این باره است که قرآن کریم دارای بطون است و آیات آن دارای تأویل؛ و هرگز برای یک عصر و یک نسل نازل نگشته است، بلکه برای مردم همه قرون و اعصار است و در هر زمانی تأویلی دارد.

کنز دوم: به ذکر روایاتی پرداخته است که دلالت می‌کند بر اینکه قرآن دارای بطون است و بر اینکه تأویل قرآن را جز ائمه (ع) و راسخون در علم نمی‌دانند.

کنز سوم: پاره‌ای از روایات را آورده است که بیان‌کننده حقیقت و لباب تأویل است. در این کنز نیز اشاره به اهل ایمان و کفر دارد و به بحث حبّ و بغض نسبت به امیرالمؤمنین علیه‌السلام پرداخته است و به سخنان مشهور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره علی علیه‌السلام استناد کرده است.

کنز چهارم: در این باره است که معتقد به قرآن باید به ظاهر و باطن قرآن ایمان داشته باشد. در این کنز به مذاهب دیگر نیز اشاره دارد و به بیان و رد نظرات آنان پرداخته است.

کنز پنجم: در بیان پاره‌ای از مسایلی است که بیان‌کننده اینست که علم قرآن کریم نزد اهل‌البیت علیهم‌السلام است و هر گونه تفسیر به رأی و اجتهادی درباره قرآن جایز نیست.

کنز ششم: در بیان پاره‌ای از آیات قرآن کریم است که صریحاً به توحید و نبوت دعوت کرده است. مسایل مربوط به امامت و ولایت نیز به صورت ضمنی یاد شده است.

کنز هفتم: در این کنز به بیان چگونگی بطون قرآن کریم پرداخته و یادآور شده است که کلام الهی بر سه گونه است.

۱. آیاتی که هر عرب زبانی، اعم از عالم و جاهل معنی و تفسیر آن را درک می‌کند.

۲. آیاتی که معنی و مفهوم آنها را کسانی که دارای صفای باطن و لطافت روح باشند

درک می‌کنند و این کسان شامل آیه «شرح الله صدره للاسلام» هستند.

۳. دسته سوم آیاتی هستند که تفسیر آن را تنها خدا و امینان وحی و راسخون در علم می دانند.

این تقسیم سه گانه را خداوند در آیات خویش قرار داد تا بعد از پیامبر اکرم (ص)، مدعیان دروغین عالم به کتاب خدا معرفی گردند.

در ادامه به برخی آیات قرآن کریم اشاره می کند که دارای معنای ظاهر و باطن هستند مثل: «ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما» (احزاب/۳۳/۵۶) و آیه: «يس والقرآن الحكيم انك لمن المرسلين» (يس/۳۶/۱-۳) که تأویل اینها را تنها کسانی می فهمند که دارای صفای باطن و لطافت روح باشند.

کنز هشتم: در بیان پاره ای از آیات قرآن کریم است که دلالت بر امر ولایت و امامت دارد و اشاره ای به فضایل اهل البیت علیهم السلام دارد و بیان سرآرشاد به امر ولایت را می کند.

کنز نهم: در بیان برخی از تأویلات است که هرگز نباید از آنها غفلت کرد، چنانکه بر پایه باطن الفاظ و خطابات که در خصوص ائمه علیهم السلام و دشمنان اهل البیت علیهم السلام وارد شده است استفاده می گردد که کافر را، به کفر به ولایت و نفاق منافقین تأویل کردند.

کنز دهم: در بیان روش حد وسطی است که همواره باید در تفسیر قرآن کریم رعایت شود و دوری از افراط و تفریط در بیان آیات الهی.

کنز یازدهم: در این بخش، ابتدا به مواردی پرداخته است که تأویل و تفسیر آیاتی در غیر مورد خود بیان شده است و سپس کلمات غریب و متشابه را توضیح داده است.

این کنز که درازدامن ترین بخش کتاب را (حدود ۲۰۰ صفحه خطی) تشکیل می دهد، به تفصیل و به ترتیب حروف الفبا به مسایل ادبی و نحوی لغات می پردازد و بسیاری از مشکلات لغوی و بلاغی را بیان می دارد، این قسمت با کلمه «الاب» آغاز شده است.

کنز دوازدهم: این کنز آخرین فصل این تفسیر را تشکیل می دهد و شامل تأویل و تفسیر حروف مقطعه آغاز بعضی از سوره های مبارکه قرآن کریم است از (الم) آغاز شده و تا (ن) ادامه یافته است.

سپس به کیفیت محاسبات ابجدی این حروف پرداخته است و برخی اسرار عجیب این حروف را بیان داشته است. در ادامه به نقل روایات وارد شده در باب حروف مقطعه می پردازد. در خاتمه به ذکر نام قرآء و کیفیت قراءات و نحوه تجوید و بیان عدد آیات قرآن کریم و اسماء سوره ها پرداخته است و در ذیل آنها بر حسب حروف الفبا کشف الآیات را آورده است و گفتار خود را با ذکر تعداد کلمات و حروف، پایان بخشیده است.

آغاز کتاب: (الحمد لله الكبير المتعال ذی العز والجلال جل شأن من قال في شأنه هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب ...)

انجام آن: (...) وقد تمّ كتاب معدن الانوار و مشکاة الاسرار على يد مؤلفه الراجي الى رحمة ربه محمد صالح بن محمد القزويني في بلدة المقدسة كربلاء في شهر محرم الحرام سنة سبعين بعد الالف والمائتين والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً).

شيخ آقا بزرگ تهراني، نسخه اي از اين تفسير را نزد سبط مؤلف، آيت الله شيخ ميرزا ابو تراب شهيدی در تهران مشاهده کرده و در الذريعه معرفی کرده است. (...) للحاج مولی صالح البرغانی صرح فی اوله انه ألفه بعد فراغه عن تفسير الوسيط الموسوم بـ «مفتاح الجنان فی تفسير القرآن» ... ثم الف «معدن الانوار» هذا فی مقدمات تفسير «مفتاح الجنان» و رتبه علی اثني عشر كنزاً و خاتمة ... و فرغ منه فی ۱۲۷۰). ۳.

و آقای عامر الحلو به نقل از الذريعه آن را در كتاب خود «معجم الدراسات القرآنيه عند الشيعة الاماميه» ضبط کرده است^۴ و نیز راقم این سطور در مقاله خود تحت عنوان تفسير و تفاسير شيعه در دايرة المعارف تشيع آن را مختصراً معرفی کرده است.^۵ اکنون نسخه های متعددی از این تفسير در كتابخانه های عمومی و خصوصی موجود است، از جمله نسخه ای به شماره (۳۱۴۱) در كتابخانه آيت الله مرعشی نجفی در رقم^۶ و نیز نسخه اصل منحصر به فرد، به خط مؤلف از مخطوطات كتابخانه این جانب (نوه مفسر) در قزوین موجود است و دو نسخه دیگر از عصر مؤلف که یکی از آن دو به دستور فرزند مفسر، شيخ حسن بن محمد صالح برغانی از روی نسخه مؤلف نگاشته شده است.

۱. مجله بیّنات، سال دوم، شماره ۸، صص ۲۲-۳۳.

۲. شيخ آقا بزرگ تهراني: الذريعه، ۳۲۵/۲۱، بيروت، دارالاضواء؛ مجله بیّنات، سال دوم، شماره ۸، ص ۳۱.

۳. همان، ص ۲۲۰.

۴. عامر الحلو: معجم الدراسات القرآنيه عند الشيعة الاماميه، ص ۲۸۱، بيروت، دار الموسم للاعلام.

۵. دايرة المعارف تشيع، ۵۵۴/۴، تهران، ۱۳۷۳ ش.

۶. سيد احمد حسيني الشكوري، فهرست نسخه های خطی كتابخانه مرعشی، ۳۷۲-۳۷۰/۸.